

یادگیری مبتنی بر طرحواره

مؤلف

مریم رجالی



روان آگاه

محتوا

۹.....	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱۸.....	تأثیر طرحواره در یادگیری
۱۹.....	شکل گیری طرحواره
۲۰.....	انواع طرحواره
۲۱.....	چگونه طرحواره ها تغییر می کنند؟
۲۲.....	چگونه طرحواره ها بر یادگیری تأثیر می گذارند؟
۲۳.....	چگونه طرحواره ها مانع یادگیری می شوند؟
۲۳.....	طرحواره ها و کلیشه های ذهنی
۲۵.....	فصل دوم: نظریه شناخت در یادگیری
۲۸.....	راهبردهای شناختی
۳۲.....	شناخت گرایی براساس دیدگاه پیازه
۳۶.....	یادگیری از دیدگاه پیازه چیست؟
۳۷.....	کاربردهای آموزشی نظریه پیازه
۳۷.....	نظریه پیازه در مورد آموزش و پرورش
۳۷.....	نظام تربیتی پیازه

۳۸ طبقه‌بندی علوم از نظر پیاژه
۳۸ روش‌های آموزشی
۴۰ کاربرد دیدگاه‌های پیاژه در آموزش و پرورش
۴۲ اصول یادگیری و تدریس از نظر دیدگاه شناخت گرای پیاژه
۴۲ شیوه مطالعه پیاژه
۴۳ نگاه پیاژه به انسان
۴۴ مسئله شناخت
۴۷ مراحل اجرای روش تدریس شناختی
۴۷ مرحله نخست: رویارویی باتکلیف درسی
۴۸ مرحله دوم: جستجو
۴۸ مرحله سوم: انتقال
۴۹ فصل سوم: پیش سازمان دهنده یادگیری
۴۹ سبک‌های یادگیری با توجه به حواس پنجگانه
۵۰ انواع سبک‌های یادگیری کدامند؟
۵۰ سبک دیداری
۵۰ سبک شنیداری
۵۱ چگونه با یک تکلیف آسان سبک یادگیری فرزندان را بیابیم؟
۵۲ دسته‌بندی سبک‌های یادگیری شناختی
۵۲ سبک تکانشی
۵۲ سبک تاملی
۵۳ وابسته به زمینه
۵۳ ناوابسته به زمینه (مستقل از زمینه)
۵۳ الگوی پیش سازمان دهنده در تدریس
۵۴ اصول اساسی در الگوی پیش سازمان دهنده

مدیریت تدریس با استفاده از الگوی پیش‌سازمان‌دهنده	۵۵
روش تدریس پیش‌سازمان‌دهنده	۵۸
مراحل اجرای الگوی پیش‌سازمان‌دهنده	۶۲
چگونگی کنش و واکنش معلم نسبت به شاگردان	۶۲
ماهیت روابط میان‌گروهی	۶۳
شرایط و منابع لازم	۶۴
محاسن و محدودیت‌های الگوی سازمان‌دهنده	۶۵
مهارت دانش‌آموزان براساس الگوی پیش‌سازمان‌دهنده	۶۶
روش تدریس حل مسأله	۶۷
راه‌های حل مسئله:	۶۸
مراحل آموزش حل مسئله:	۷۲
۱- مراحل اجرای الگوی حل مسئله:	۷۳
۲- چگونگی کنش و واکنش معلم:	۷۳
۳- روابط میان‌گروهی:	۷۴
۴- منابع و موقعیت:	۷۴
مقایسه بین الگوی دریافت مفهوم با روش‌های موجود در نظام آموزشی کنونی	۷۵
مراحل اجرا در الگوی حل مسأله	۷۵
طرح مسأله یا بازنمایی مشکل	۷۵
جمع‌آوری اطلاعات	۷۶
ساختن فرضیه	۷۷
آزمایش فرضیه	۷۷
نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد	۷۸
روابط میان‌گروهی در الگوی حل مسأله	۷۸

فصل چهارم: نقش طرحواره در یادگیری	۸۱
طرحواره ها چه تاثیری بر فرآیند یادگیری دارند؟	۸۲
ساخت‌های شناختی در نظریه پیاژه	۸۴
طرحواره	۸۴
جذب و انطباق	۸۶
تعادل‌یابی	۸۶
عملیات	۸۷
طرحواره‌ای برای ارزشیابی تدریس مجازی	۸۸
تأثیر و نقش ارزشیابی	۹۱
نکاتی برای استفاده از نظریه طرحواره در آموزش الکترونیکی	۹۳
نحوه استفاده از نظریه طرحواره در آموزش الکترونیکی	۹۳
چگونه طرحواره‌های ذهنی بر نتایج یادگیرنده تأثیر می‌گذارند	۹۷
برای تقویت طرح‌های ذهنی، مفاهیم خود را از یکدیگر جدا کنید	۱۰۰
منابع	۱۰۱

فصل اول

کلیات و مفاهیم

یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت‌های اجتماعی در زندگی انسان یادگیری است. یادگیری زمینه‌ای است که همواره ذهن عالمان و محققان را به خود مشغول داشته است. یادگیری، عملکرد و پیشرفت تحصیلی از جمله موضوعات مهم و مورد توجه در روانشناسی پرورشی و موقعیت‌های تعلیم و تربیتی است که از عوامل شخصی (درون فردی) و موقعیتی (برون فردی) اثرپذیر است.

در این راستا شناخت عوامل مؤثر بر یادگیری، جهت ارتقای سطح عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، یک هدف اساسی در اغلب پژوهش‌های تربیتی بوده که به دنبال آن الگوهای مختلفی از یادگیری مدرسه ارائه شده است. به طور کلی تدریس در کلاس درس، یک فعالیت آگاهانه و برنامه‌ریزی شده است که توسط معلم در جهت نیل به اهداف خاصی طراحی و تدوین می‌شود. معلم برای کسب موفقیت در تدریس باید از نظریه‌های نوین آموزشی، روانشناسی یادگیری و تربیتی، اطلاعات و آگاهی لازم را داشته باشد. روش تدریس معلم باید با اصول و اهداف آموزش و پرورش و ویژگی‌های دانش‌آموزان هماهنگ باشد تا بتواند ضمن جهت دادن به فعالیت‌های آموزشی خود، دانش‌آموزان را به سوی اهداف تعلیم و تربیت هدایت کند. اگر معلم خواهان آن است که کارایی و موفقیت بیشتری در تدریس داشته باشد، باید ضمن مهارت و تسلط بر

محتوای درسی به نکات ظریف و حساس روانشناسی (یادگیری و تربیتی) به طور دقیق توجه کند. از آنجاکه فراگیرندگان در هر یک از دوره‌های آموزشی، نیازهای ویژه‌ای دارند، بنابراین آشنایی معلمان با خصوصیات رشد و نیازهای فراگیرندگان در هر یک از دوره‌های تحصیلی، می‌توانند در پیشرفت تحصیلی و تکامل شخصیت آن‌ها بسیار موثر باشد.

برای تحقق چنین امری معلم باید از کاربرد روانشناسی تربیتی در آموزش آگاه بوده و به راحتی بتواند اصول و قواعد آن را در کلاس اجرا کند. این گزارش به مهمترین کاربردهای روانشناسی تربیتی در آموزش اشاره می‌کند. معلم قبل از شروع به تدریس باید از آمادگی شاگردان خود برای یادگیری آگاهی کامل داشته باشد از این رو پیوسته باید تلاش کند با تحقیق و کنجکاوی اطلاعات لازم را در این زمینه به دست آورد. یکی از نظریه‌های بسیار مفید در این مورد، نظریه انگیزه «مازلو» است که این امکان را به معلم می‌دهد که از وضع نیازهای اولیه شاگردان خود اطلاع داشته باشد و نسبت به رفع آن‌ها اقدام‌های لازم را انجام دهد. کاربردهای نظریه انگیزش مازلو در تدریس بسیار امیدوارکننده است. یکی از کاربردهای کاملاً عملی این است که معلم باید تمامی توان خود را به کار گیرد تا مطمئن شود که نیازهای فروتر دانش‌آموزان ارضاء شده است تا بدین تربیت احتمال پرداختن آن‌ها به نیازهای عالیتر بیشتر شود (حبیب‌زاده مقدم صومعه‌سرای و همکاران، ۱۴۰۲).

از نیازهای اولیه شاگردان آن است که از لحاظ بدنی دارای وضع مناسبی باشد، احساس امنیت و احترام کند و اطمینان یابد که مورد توجه و علاقه دیگران است. از آنجاکه توجه به نیازهای جسمانی و فیزیولوژیک دانش‌آموزان هنگام یادگیری بسیار مهم است، معلم باید به وضع بدنی آن‌ها رسیدگی کند و توجه داشته باشد که ممکن است دانش‌آموزان گرسنه یا تشنه باشند. از این رو باید به آن‌ها فرصت داده شود تا بتوانند به رفع نیازهای خود بپردازند و محیط کلاس را طوری ترتیب دهد که شاگردان از لحاظ جسمانی و روانی آسایش و آرامش داشته باشند و مهم‌تر از همه به این نکته پی

ببرند که معلم به آن‌ها علاقه‌مند و خواهان موفقیت آنان است. اگر نیازهای پایین‌تر دانش‌آموزان به خوبی برطرف شود، آن‌ها آمادگی بیشتر و بهتری برای یادگیری پیدا خواهند کرد (ازغندی، ۱۳۸۳).

اگر دانش‌آموزان شما از لحاظ بدنی در وضع مناسبی باشند، احساس امنیت، راحتی، تعلق و احترام کنند، احتمالاً آماده‌تر خواهند بود. در کلاس شما در جستوی ارضای نیاز به دانستن و فهمیدن باشند. معلم نسبت به آنچه در کلاس درسش رخ می‌دهد، مسئولیت اصلی را به عهده دارد؛ بنابراین هر چه بیشتر بتواند به رفع نیازهای دانش‌آموزان خود بپردازد، آن‌ها آمادگی بیشتری برای نیل به سطوح عالی‌تر رشد پیدا خواهند کرد. اما معلم نمی‌تواند موقعیتی را فراهم کند تا تمامی شاگردان به سطح عالی‌ترین نیازهای رشد برسند، چون هر چه بخواهد در این زمینه تلاش کند، باز هم ممکن است دانش‌آموزی به دلیل آنکه مورد توجه والدین و یا دوستانش قرار نگرفته، نسبت به یادگیری و آموزش علاقه‌ای از خود نشان ندهد. حتی اگر تمامی تلاش خود را در ارضای نیازهای فروتر سلسله مراتب مازلو به کار گیرید، ولی باز هم واضح است که احتمال اینکه بتوانید موقعیتی را فراهم کنید تا تمامی دانش‌آموزان شما همیشه در سطوح عالی‌ترین نیازها عمل کنند، بسیار کم است. دانش‌آموزان با تفاوت‌های فردی قابل ملاحظه‌ای وارد مدرسه می‌شوند، این وظیفه معلم است این تفاوت‌ها را شناسایی کند و تدریس خود را به فراخور استعداد و توانایی آن‌ها ارایه دهد. تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین مسائل در کلاس درس است که معلم باید توجه خاصی به آن داشته باشد و فرآیند یاددهی یادگیری کلاس را طوری تنظیم کند تا تمامی دانش‌آموزان به تناسب آمادگی ذهنی خود بتوانند از آن استفاده کنند. عده‌ای از دانش‌آموزان به دلایل مختلف با اضطراب و ناراحتی وارد کلاس می‌شوند، معلم باید تمامی تلاش خود را به کار گیرد تا اضطراب و نگرانی آن‌ها را به حداقل برساند و زمینه مثبت‌اندیشی و خلاقیت را برای آنان فراهم کند. دانش‌آموزانی هم در کلاس پیدا می‌شوند که نه فقط هیچ‌گونه اضطرابی ندارند، بلکه از تجارب یادگیری خوبی نیز برخوردار هستند که باید مورد تشویق قرار گیرند. معلم می‌تواند از این گونه تجارب در

جهت یادگیری بهتر و آسان تر تمامی دانش آموزان استفاده کند. یکی دیگر از عواملی که در یادگیری شاگردان نقش اساسی دارد، ایجاد انگیزه در آنها است و معلم نباید از عامل انگیزه در تحریک دانش آموزان غفلت می کند. انگیزه، دانش آموز را به سمت یادگیری سوق می دهد، علاقه و عشق او را برمی انگیزاند و به فعالیتها و تلاشهای او شکل و جهت می بخشد. معلم باید سعی کند انگیزه درونی شاگردان را افزایش دهد و انگیزه بیرونی آنها را به حداقل برساند. البته معلم نمی تواند همیشه دانش آموزان را در بالاترین درجه انگیزش، به یادگیری وادارد ولی باید بکوشد در حد امکان از شکستهای درسی آنان جلوگیری کند تا دانش آموزان به یادگیری و انجام تکالیف درسی بیشتر علاقه مند شوند. یکی از روشهای موثر در ایجاد انگیزه در دانش آموزان، تشویق لفظی است که به ویژه در کودکان خردسال کاربرد بیشتری دارد. وقتی دانش آموزان بر مفهوم و مطلبی تسلط پیدا می کنند و یا در زمینه های گوناگون اطلاعاتی را به دست می آورند، باید مورد تقدیر و تشویق معلم قرار گیرند؛ زیرا این کار باعث می شود علاقه و انگیزه آنها نسبت به یادگیری بیشتر شود. معلم باید در مورد اثرات پاداش دقت و توجه لازم را داشته باشد و با ایجاد موقعیت های تحریک کننده و استفاده از عوامل متفاوت و انگیزه های متعدد، دانش آموزان را به سوی یادگیری هدایت کند؛ اما اگر معلم بخواهد پیوسته به یک نوع تقویت در یادگیری توجه کند و یا بیش از حد آن را به کار گیرد، ممکن است دانش آموزان از پاسخ دادن به آن امتناع ورزند (یوسفی شیخرباط، ۱۴۰۲).

معلم باید از معایب و مضرات رقابت بیش از حد آگاه باشد و با در نظر گرفتن آثار مخرب آن، از ایجاد چنین رقابتی در میان دانش آموزان خودداری و تلاش کند زمینه همکاری دانش آموزان را فراهم سازد، که این همکاری می تواند از طریق شوراهای مختلف صورت گیرد. دانش آموزان نیاز دارند در زمینه های گوناگون پیشرفت کنند و از این طریق امیال و نیازهای خود را برطرف کنند. برای پیشرفت بهتر آموزش و پرورش و جلب همکاری شاگردان، معلم بیش از همه وظیفه دارد نگرش های علمی، اجتماعی و اخلاقی مطلوب را در شاگردان به وجود آورد. معلم باید اهمیت و ارزش های یادگیری را به دانش آموزان یادآوری کند و با ارایه مثال هایی به آنها نشان دهد آموختن و یادگیری

در چه مواقعی می‌تواند به کمک آن‌ها بیاید. معلم باید در محیط کلاس به اندازه کافی بلند و رسا صحبت کند تا تمامی شاگردان بتوانند صدای او را به‌خوبی بشنوند. آرام صحبت کردن معلم در کلاس باعث می‌شود بسیاری از دانش‌آموزان از یادگیری و آموختن باز بمانند. همچنین معلم نه فقط باید به دانش‌آموزان اجازه پرسیدن را بدهد، بلکه باید پرسش‌کنندگان را نیز مورد تشویق قرار دهد تا از این طریق بتواند سایر شاگردان را هم به سوال کردن و جستجو و تحقیق وادار کند. وقتی دانش‌آموز سوالی را در کلاس مطرح می‌کند، معلم باید با گشاده‌رویی، سعه صدر و با میل و علاقه به سوال او پاسخ دهد. پاسخ معلم هرگز نباید حالت تمسخر، توهین و خصومت داشته باشد یا احیاناً به سوال دانش‌آموز بی‌اعتنایی کند و آن را نادیده و نشنیده بگیرد.

معلم نباید اجازه دهد که دانش‌آموزان برای مدت طولانی در کلاس بیکار و غیرفعال باشند بلکه باید پیوسته فضای کلاس را برای یادگیری و کسب علم و آگاهی آماده و فعال نگهدارد. معلم باید به امیال و علایق دانش‌آموزان توجه کند و به آن‌ها اجازه دهد که به انجام فعالیت‌های مورد علاقه خود بپردازند تا از این طریق تشویق شوند. از تجارب یکدیگر برای یادگیری بهتر استفاده کنند. این کار ضمن افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان، حس کنجکاوی و جستجوگری آن‌ها را برانگیخته خواهد کرد. نظم و انضباط یکی از مسائل اصلی در کلاس درس است، که بدون حاکمیت آن در کلاس، عملاً معلم قادر به انجام هیچ کاری نیست. معلم نباید فقط به برقراری نظم در کلاس فکر کند، بلکه باید نظم بخشیدن به کلاس درس را پیش‌نیاز تدریس خود بداند و همیشه پس از حاکم شدن آرامش در کلاس، کار تدریس را آغاز کند.

البته معلمانی که خود رفتار متعادل و مناسبی در کلاس درس ندارند، نباید توقع رفتار مطلوب و شایسته از دانش‌آموزان خود داشته باشند. بنابراین معلمان باید با استفاده از تجارب همکاران خود و مطالعات لازم در زمینه روانشناسی و علوم تربیتی، شیوه‌ها و راهکارهای برخورد با بی‌نظمی‌های دانش‌آموزان در کلاس را از قبل طراحی کنند تا با اجرای آن نظم و آرامش بیشتری به کلاس ببخشند. به طور قطع برخی از